

گر عزت ایراتان هوست
ایراست که گفتار او هباست
آکنده سرازریو (۴) وکیاست
بگریختن از دیوتان رواست
در ملک چرا یکجهان گداست
بس مرد فقرا که بینواست
آزرا که چنان باغ دلگشاست
در کام یکی زره اردهاست
کز تابش او نافته هوست
پیوسته ابا مرک آشناست
کاهنده جانست و جانفزاست
گر خاطر ما تیرگی زداست
این کژی کشور کنیم راست

مدهد بگفتار دیو هوش
کردارش همانند گفت نیست
این دیو بد آموز چریگو
ما ساده دل و دیو بد گهر
کانهاست بجاک اندرون فرو
با آنهمه برک و نوا که هست
بنشسته بزندان چرا غمین
ماراست یکی روز خوش ولیک
خیزید که با آن کشیده تیغ
همواره بود خصم زندگی
برنده رنج است و رنج ده
آریم بر آن بامداد خوش
باید که بآینده ما و تو

امنیت قضائی

بقلم آقای میرزا حسین خان مهیمن

رئیس محکمه حقوق در وزارت خارجه
(بقیه از شماره پیش)

ثانیاً - در صورتیکه مورد شکایت از قاضی صریحاً در قانون قید شده باشد (قسمت دوم از ماده ۵۰۵) موارد شکایت از قاضی غیر از موارد مذکوره در ماده ۵۰۵ منحصر است به موضوعات جنائی که در مواد ۷۷ ۱۱۲ ۱۶۴ ۲۷۱ ۳۷۰ ۵۹۳ اصول محاکمات جزائی فرانسه قید شده و بموجب آنها به متحاکمین اجازه میدهد در صورت نقض ترتیبات معین شده برای حفظ آزادی شخصی و تضمین صحت تقریرات شاهد و تأمین صحت احکام و عدم رعایت ترتیبات مربوطه به احضار

(۴) ریو و کیمیا یعنی حلیه است

و توقیف و جلب متهم و عدم تعقیب متهم از طرف مدعی العموم استیناف مطابق قوانین مقرر از حکام شکایت نمایند. قضات محاکم جنائی قطع نظر از مواد فوق الذکر هر وقت که مرتکب یکی از اعمال مندرجه در ماده ۵۰۵ بشوند نیز مورد شکایت واقع خواهند شد.

ثالثاً - در صورتیکه قانون قضات را در مقابل خسارات وارده به متحاکمین مسؤل قرار بدهد (قسمت سیم از ماده ۵۰۵).

مواردیکه قانون قاضی را مسؤل قرار میدهد از قرار ذیل است.

(ا) - مطابق ماده ۲۰۶۳ قانون مدنی فرانسه هر وقت که قاضی حکم توقیف را خارج از مواردیکه قانون یدش بینی کرده اعلام نماید.
 (ب) - برطبق مدلول ماده ۱۱۷ قانون جزائی فرانسه در صورتیکه قاضی اقدامی برخلاف آزادی شخصی متحاکمین از قبیل حبس غیرقانونی و یا عمل مستبدانه و غیره نموده است.

(ج) - موافق ماده ۱۵ اصول محاکمات حقوقی فرانسه هر وقت قاضی عمداً در مدت قانونی دعوا را استماع و تعقیب نکند.

(د) - برطبق ماده ۹۲۸ اصول محاکمات حقوقی در صورتیکه مهر و موم محل توقیف شده را قبل از موعد قانونی بردارد.

(ه) - موافق ماده ۶۴۷ قانون تجارنی فرانسه هر وقت که محکمه استیناف حکم محکمه تجارت را به تعویق بیندازد ولو حکم مزبور از لحاظ عدم صلاحیت مورد اعتراض شده باشد.

رابعاً - در صورتیکه قاضی استنکاف از احقاق حق نماید این

موضوع در ماده چهار اصول محاکمات حقوقی ما نیز تصریح شده است

شکایات را میتوان برعلیه تمام درجات قضاة اقامه

نمود: امنای صلحیه. محاکم ابتدائی و تجاری.

مستشاران محکمه استیناف و اعضاء آن. صاحب منصبان

بارکه و مستنطقین صاحب منصبان قضائی ضابطین

شکایات

از قاضی

عدلیه (پلیس ژودیسیر) و همچنین کدخدایان در موقعیکه وظایف صاحبمنصبان عدلیه و پلیس قضائی را انجام میدهند.

از مستشاران دیوان تمیز نیز میتوان شکایت نمود یا نه؟ در اینخصوص قانون فرانسه ساکت است و این امر شاید برای اینست که محکمه بالاتر از دیوان تمیز وجود ندارد که مستشاران تمیز را تحت محاکمه بیاورد.

برطبق ماده ۲۵ قانون استخدام قضاة ما تعقیب مستشاران دیوان تمیز به مجلس عالی قضاة واگذار شده است لیکن موافق ماده ششم از لایحه که اخیراً به مجلس پیشنهاد شده بود بگلی این ماده ۲۵ را نسخ کرده اند. و این امر نظریه فوق الذکر نگارنده را تأیید می نماید.

شکایت را می توان بر علیه يك محکمه اعم از ابتدائی و تجاری یا يك محکمه استیناف یا بر علیه یکی از شعبات آن اقامه نمود لیکن بر علیه يك عضو محکمه نمی توان شکایت نمود باید بر علیه تمام اعضائیکه در حکم شرکت داشته اند اقامه نمود.

در مواقعیکه شکایت از قضات امکان پذیر است بر علیه وراث قاضی متشکی عنه متوفی نیز ممکن است در مورد خسارات شکایت نمود

دعوی شکایت از قضات در کدام محکمه اقامه میشود؟ - دعوی شکایت بر علیه امنای صلحیه و محاکم ابتدائی و تجاری یا یکی از اعضاء آنها یا بر علیه رئیس یا یکی از مستشاران محکمه استیناف یا يك محکمه جنائی در محکمه استینافیکه در حوزه همان محاکم است اقامه میشود.

شکایت از محاکم جنائی یا محاکم استیناف یا یکی از شعبات آنها در دیوان تمیز اقامه میشود (ماده ۵۰۹ اصول محاکمات حقوقی فرانسه)

طرز رسیدگی بشکات و صدور حکم - دعوی شکایت از قاضی بهیچوجه صلح بردار نیست و باید از محکمه ایکه صلاحیت رسیدگی را دارد (محکمه استیناف یا دیوان تمیز) برای اقامه دعوی شکایت تحصیل اجازه شده

باشد تحصیل اجازه ضمن عریضه بتوسط avoué به محکمه استیناف و بتوسط avocat به دیوان تمیز که از طرف شاکی یا وکیل ثابت الوکاله او امضا شده است تقدیم میشود (ماده ۵۱۰)

عریضه بهیچوجه نباید دارای الفاظ رکبیکه و فحش باشد و در صورت تخلف شاکی جریمه خواهد شد بهرحال عریضه بلافاصله پس از تقدیم بمدعی العموم ابلاغ میشود .

هرگاه رسیدگی بشکایت در حدود صلاحیت محکمه استیناف است بدون اینکه قبلاً مذاکره بشود جلسه شورای غیر علنی تشکیل داده اجازه را صادر میکند و اگر رسیدگی در حدود صلاحیت دیوان تمیز است اجازه را شعبه عرایض موافق ترتیبات معموله صادر میکند .

در صورتیکه عرض حال رد بشود مدعی محکوم به جریمه میشود که کمتر از سیصد فرانک نخواهد بود بعلاوه اگر خساراتی به قاضی متشگی عنه وارد شده باشد باید از عهده بر آید (ماده ۵۱۳) .

هرگاه عریضه قبول شود در ظرف سه روز به قاضی متشگی عنه ابلاغ میشود و احضاریه بشخص متشگی عنه و با باقامتگاه دائمی او ارسال میگردد . بعرضحال احضاریه و سواد حکم اجازه نامه و مدارک مربوطه به دعوی ضمیمه میشود .

قاضی متشگی عنه باید avoué برای خود معین نموده در ظرف يك هفته دفاعیات خود را تهیه کند (قسمت اول ماده ۵۱۴) . مدعی میتواند جواب دفاعیات را نیز بدهد و بعد از آن کار بمدعی العموم ابلاغ و در جلسه رسمی محکمه رسیدگی خواهد شد .

شعبه که مبادرت بصدور اجازه نموده نمیتواند در ماهیت دعوا رسیدگی نماید و شعبه دیگر استیناف رسیدگی را شروع خواهد نمود و اگر محکمه استیناف بیش از يك شعبه ندارد رسیدگی از طرف محکمه تمیز به نزدیکترین محکمه استیناف ارجاع خواهد شد (ماده ۵۱۵) .

هرگاه عرضحال محکمه تمیز مراجعه شده است شعبه حقوقی محکمه مزبور مطابق ترتیبات معموله شروع بر رسیدگی می نماید.

وقتیکه اجازه نامه دعوای شکایت از قاضی داده شد قاضی منشگی عنه ملزم است از رسیدگی به ادعای مدعی و اقوام بلا فصل *ligne droite* و زوجه او که در همان محکمه ممکن است اقامه نمایند ناصدور رای قطعی خود داری نماید (قسمت دوم ماده ۵۱۴).

قاضی منشگی عنه حتی با رضایت اصحاب دعوا نیز نمی تواند در محاکمه حضور بهم رساند هرگاه قاضی منشگی عنه بر خلاف این نهی قانونی در محاکمه اشخاص فوق الذکر شرکت نمود حکم صادره باطل و کان لم یکن خواهد بود (ماده ۵۱۴) هرگاه شکایت مورد توجه محکمه واقع شد قاضی منشگی عنه به خسارات وارده بر شاکی محکوم میشود.

اگر مدعی صلاحیت اقامه دعوی نداشته باشد محکوم بهمان مجازات رد عرضحال خواهد شد.

قاضی منشگی عنه از حکم صادره میتواند مطابق قواعد معموله استیناف و یا اعاده محاکمه بخواند

مدت دعوای شکایت از قاضی - مدت دعوای شکایت از قاضی
راجع بخسارات مدعی خصوصی سی سال است یعنی افراد حق دارند تا مدت سی سال در محاکم مربوطه بر علیه قاضی اقامه دعوا نموده احقاق حق خود را تقاضا نمایند و پس از انقضاء این مدت کلیه حقوق آنها بموجب قانون مرور زمان ساقط خواهد بود (*préservation*)

از مراتب مسطوره بطور کلی استنباط میشود که اگر قوانین فرانسه مصوبت قاضی را قبول کرده از طرف دیگر از لحاظ حفظ حقوق جامعه و جلوگیری از استبداد و سوء استفاده قضات از اقتدارات خود مصوبتی نیز برای افراد عطا و مجازاتهای سخت برای قضات معین کرده اند که بهیچوجه نمیتوانند از انجام وظایف قانونی خود سرپیچی نمایند.

نتایج حاصله از تأمین قضائی

بطوریکه فوقاً مذکور گردید نظر بمدلول قانون اساسی ما باید جان و مال و مسکن و شرف افراد مصون از هر تعرض باشد و اگر در فلسفه زندگانی بشری و روح تمدن امروزه تعمق شود ملاحظه خواهد شد که جز حفظ و بقاء چهار عنصر مزبور مقصود و منظور دیگری نیست و اگر اروپائی‌ها امروز در مملکت ما میخواهند امتیازات مخصوصی را دارا باشند برای این است که می‌گویند قوه قضائیه ناقص ایرانی نمی‌تواند چهار عنصر اساسی فوق‌الذکر زندگانی اتباع آنها را کاملاً تأمین نماید پس اگر ما بوسیله تأمین قضائی بتوانیم اصول تمدن فوق‌الذکر را در جامعه ایرانی کاملاً محترم شماریم نه فقط از تجاوزات مادی و معنوی اروپائی‌ها مصون خواهیم بود بلکه نتایج ذیل حتمی‌الوقوع است :

چون ترقی اقتصادی مملکت منوط به تأمین مالی افراد است بدیهی است هر کس که شخصاً فهمید
۱ - ترقی اقتصادی اموال و دارائی او متعلق بخود اوست و بوسیله محاکم منظم قضائی میتواند از تعدیات غیر مشروع

اشخاص جلوگیری کرده و حقوق خود را حفظ و اعاده دهد در زندگانی شخصی اطمینان حاصل خواهد کرد و همین اطمینان افراد جامعه به یکدیگر سبب خواهد شد که مردم بوسیله بکار انداختن سرمایه‌های خود شرکتهای صنعتی و تجارتنی و فلاحتی و غیره تشکیل دهند و همینکه جامعه توانست زندگانی خود را در روی اطمینان و اعتماد بنا کند آسایش، حسن ظن، اعتماد بنفس مساعدت بیکدیگر قائم مقام فقر، ذلت، سوء ظن، کار شکنی از یکدیگر، تکدی، چاپلوسی و تملق که امروز در جامعه ما بمحد اعلی رسیده است خواهد شد و مملکت غنی و با ثروت خواهد گردید امروز در جامعه ما کسانی که فی‌الجمله دارائی دارند چه می‌کنند؟ -

یا ملك رهن می کنند یا جواهر و اسباب گرو می گیرند. املاکهم غالباً مال غیر در می آید و متعاملین تا آخرین نقطه هستی در محاکم بنمازه می پردازند پس امروز تنها معامله که در جامعه ما میشود مع التأسف با نهی صریح شارع مقدس مراجحه یا گرو است .

بدیهی است این نوع معامله هم حدی دارد چه کسی که جواهر و اسباب گرو می گیرد مثلاً درصد تومان بدست و چهار تومان نفع می کند این شخص بوسیله تولید ثروت مثلاً صنعت و زراعت بر ثروت خود و مملکت نیفزوده بلکه ثروت موجوده سایرین را بطور غیر مشروع غصب می کند و تسلسل این معاملات منتهی بخرابی جامعه و متمول شدن چند نفر که آنها هم بواسطه عدم استفاده از وسایل مشروع در ضمن مسافرت به اروپا و تضییع و غیره بمرور از بین می رود .

تجار و کسبه بیچاره ما امروز بواسطه عدم اطمینان و اعتماد بیکدیگر دست روی دست گذاشته سرمایه جزئی خود را میخورند و نمیتوانند معاملاتی بنمایند چرا ؟ برای اینکه اگر بکسی نسبه بدهد دیگر نمیتواند پس بگیرد مثلاً اگر صد تومان بکسی نسبه داد باید دکان خود را بسته شب و روز در پی بده کار باشد و آنها هم که هیچ سرمایه ندارند با تزویر و دسیسه سر همدیگر را می تراشند این است که عاقبت همگی بگلی از پا در میروند . جامعه ایرانی تصور می کند که اروپائیا پول زیاد دارند ! اینطور نیست امروز در اروپا هشت عشر معاملات در روی اعتبار و اطمینان است . چه قوه این اعتبار را در جامعه اروپائی ایجاد کرده است ؟ همانا تأمین قضائی است .

همینکه قوه قضائیه ما موفق شد که بوسیله حفظ جان و مال و مسکن و شرف امتیث قضائی را

۲ - پیشرفت سیاسی

در جامعه مستقر نماید اولین اثر مستقیم آن پیشرفتهای سیاسی ما ست . دول اروپا و قذیکه

دیدند حقوق اتباع آنها دیگر بازیچه صاحبان اغراض نشده در مقابل

قانون تبعه داخله و خارجه یکسان و از هر تعرض مصونند سوء ظن امروز بر طرف حق حیات ملی ما را که مستلزم دخول در جرگه ملل متمدنه است تصدیق کرده و از روی میل و با محکم قانون طبیعی از روی اجبار برای ادامه و توسعه روابط دوستی و استحکام مبانی مودت از لحاظ احتیاجات عمومی با ما عهد نامه های متساوی الحقوق منعقد خواهند نمود و این امر ملازمه تام و تمامی با تکمیل استقلال سیاسی و تمامیت خاکی و حاکمیت ملی ما داشته حقوق ما را از هر حیث در هر موقع رعایت و محترم شمرده خواهی نخواهی ما را دوش بدوش ملل حیه بسرزمین تمدن واقعی سوق خواهند داد و بدیهی است همینکه ملتی با قوه و اقتدار اخلاقی و معنوی یا در عالم تمدن گذاشت فنا نا پذیر بود بلا مانع روز بروز ترقی و پیشرفت خواهد نمود.

مذکور گردید که استقرار امنیت قضائی کامل

در جامعه موجب اطمینان و اعتماد اشخاص بهمدیگر ۳ - منافع اجتماعی ؛

میشود و اطمینان در جامعه تولید نمی شود مگر

اینکه اخلاق افراد تصحیح بشود منتها در بدو

امر این تصحیح اخلاق بواسطه ترس از مجازات است و خیلی به بطئی پیشرفت خواهد نمود لیکن متدرجاً و بمرور ایام همه و حتی اشخاص شرور که در بدو امر تن با استقرار امنیت قضائی نمیدادند مشاهده خواهند کرد رفاهیت و آسایش بشر در اعتماد بیکدیگر است لذا استقرار امنیت قضائی لازم ملزوم تهذیب اخلاق است . از طرف دیگر همینکه اشخاص در سایه اعتماد بدون اعمال دسیسه و تقلب و یا سایر وسایلی غیر مشروعه معاش خود را تحصیل نمودند از توسل بامور منافی شرع و اخلاق دوری جسته باعث زندگانی خواهد نمود و بدیهی است وقتیکه افراد يك جامعه در تحت لوای اعتماد بنفس و قوت بازو معاش خود را تأمین کردند از افترا ، شیادی ، غیبت ، بدگوئی ، آتريك ، دسیسه ،

تقلب، هوچی‌گری، تنک چشمی، حسادت، بغض و کینه که امروز مع‌التاسف جامعه ما بدارا بودن این معایب مقتضی است احتراز نموده مرفرد و هر طبقه شغل و وظیفه وجدانی و مملکتی خود را بدون هیچگونه مزاحمت انجام خواهد داد.

با مزایای مادی و معنوی که از استقرار امنیت قضائی برای حیات اجتماعی و سیاسی ما تصورات و وظیفه هر فرد است که دولت را بوسائل ممکنه باین امر مهم تشویق و تقویت کرده موجبات پیشرفت او را در اینخصوص از هر حیث فراهم سازد و دولت باید قبل از هر قدمی که برای اصلاحات مملکتی بر میدارد این موضوع مهم را مورد توجه قرار دهد.

در خانه این نکته را نیز لزوماً یاد آوری مینماید گرچه تربیاتی که اولیاء وزارت عدلیه برای احترام موازین قانونیه و تأمین حقوق عامه و لزوم سرعت و پیشرفت جریان دعاوی در محاکم بوسیله صدور احکام وزارتی و تهیه لوائح قانونی اتخاذ میفرمایند مورد تقدیر و نائدازه حقوق جامعه را حفظ خواهد نمود لیکن مادام که بایک حسن نیتی مراقبت و مواظبت نام در اجرای قوانین موضوعه نشود تدوین هزاران لوائح دیگر و ترجمه تمام کدهای اروپا سودی نداشته بلکه روز بروز بر اثرات جامعه علیل ما افزوده خواهد شد. در این حال این مسئله مهم را هم خاطر نشان میکنند که نواقص قوانین محاکماتی ما از حیث حقوق و جزائی بی شمار است و امید داریم قانون جزا که برای اثبات تأمین قضائی اهمیت زیادی را داراست بزودی زود حقیقه بموقع اجری گذاشته شده بوسیله مجازاتهای قانونی از متخلفین موازین قانونیه و ناقضین حقوق عامه جلوگیری نموده تأمین قضائی را با تمام معانی خود در مملکت معمول و مجری دارند.